

فرهنگ‌نامه‌ی واژگان معماری سنتی
و
کاربرد آن در زبان و ادبیات فارسی

مهدی مهدی‌زاده

۱۳۸۴

مهدی‌زاده، مهدی، ۱۳۴۸.	
فرهنگ‌نامه‌ی واژگان معماری سنتی و کاربرد آن در زبان و ادبیات	
فارسی / تألیف: مهدی مهدی‌زاده، مشهد، سخن‌گستر، ۱۳۸۴.	
۱۴۰ ص، مصور	
ISBN: 964-477-072-2	۱۲۰۰۰ ریال
فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.	
۱. واژه‌نامه - معماری سنتی ۲. زبان و ادبیات فارسی ۳. فرهنگ و هنر	
قوم ایرانی ۴. کاربرد واژگان معماری سنتی در متون فارسی الف. عنوان	
۳۴۵ PIR ۱۳/۴۵۴۵	
۱۳۸۴	



ناشر	: انتشارات سخن‌گستر
نام کتاب	: فرهنگ‌نامه‌ی واژگان معماری سنتی و کاربرد آن در زبان و ادبیات فارسی
مؤلف	: مهدی مهدی‌زاده
شمارگان	: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ	: اول ۱۳۸۴
چاپ	: چاپخانه
قیمت	: ۱۲۰۰ تومان
شابک	: ۹۶۴-۳۷۷-۰۷۲-۲

مشهد- خیابان ابن‌سینا- بین ابن‌سینای ۱۶ و پاستور- پلاک ۱۷۴ تلفن: ۸۴۳۹۹۵۵ (۵ خط)

www.sokhangostar.com

info@sokhangostar.com

چگونه کاخی، کاخی چو گنبد هرمان
 زیبای تا سر، چون مصحفی نبشته به زر
 چهار صفّه و از هر یکی گشاده‌دری
 چنان که چشم کند از چهارگوشه نظر
 دری از او سوی باغ و دری از او سوی راغ
 دری از او سوی بحر و دری از او سوی بر
 سپید کرده به کافور سوده و گلاب
 به کار برده درویشم ترکی و مرمر
 به جای شنگرف اندر نگارهاش عقیق
 به جای ساروج اندر مسامهاش^(۱) درر
 به سقفش اندر عود سپید و چندن سرخ
 به خاکش اندر مشک سیاه و عنبرتر
 فرود کاخ یکی بوستان چو باغ بهشت
 هزارگونه درو شکل و تندیس دلبر
 ز لاله‌های مخالف میانش چون فرخار
 ز سروهای مرادف کرانش چو کشر
 هزار دستان بر شاخ سرو او به خروش
 چو عاشقان فراق آزموده وقت سحر

۱. مسام: ستون

رک: دیوان فزخی سیستانی، محمد دبیر سیاقی، اقبال، ۱۳۳۵، ص ۱۲۹. (وصف یک عمارت)

فهرست مطالب

پیش‌گفتار	۹-۱۵
فرهنگ‌نامه‌ی واژگان	۱۶-۱۲۶
نمایه‌ی ابیات متن	۱۲۷-۱۳۳
کتاب‌نامه	۱۳۴-۱۴۰

شناخت فرهنگ و هویت قوم ایرانی بر هر ایرانی تباری بایسته است. معماری یکی از چشم‌اندازهای زیبای هنر و فرهنگ این مرز و بوم است. بسیاری از واژه‌های معماری سنتی ریشه‌ای فارسی دارد. بررسی این واژه‌ها علاوه بر آن که برای فهم متونی همچون: تاریخ بخارا، مسالک و الممالک، سفرنامه‌ی ناصرخسرو، تاریخ یزد و برخی اشعار حافظ و... لازم است؛ دورنمایی از معماری سنتی را نیز، پیش روی خوانندگان و علاقه‌مندان قرار می‌دهد و مطالعه‌ی این اثر برای دانش‌آموختگان معماری، باستان‌شناسی، هنر، جامعه‌شناسی، تاریخ، جغرافیا، زبان‌شناسی و ادبیات مفید است.

پیش‌گفتار

یاد باد آن اوستاد سالخورد کو بنا کرد این در و دیوار را^۱
این زمان خفته است خود در زیر خاک یادگارش یابم این آثار را

(دکتر غلامحسین یوسفی)

معماری یکی از انواع هشت‌گانه‌ی هنرهای زیبا و از ماندگارترین جلوه‌های فرهنگ و آداب و رسوم گذشتگان است. شناخت هویت و فرهنگ هر جامعه‌ای، بدون مطالعه‌ی بناهای کهن آن میسر نمی‌گردد زیرا این آثار یکی از منابع مستند و بسیار مهم مطالعات باستان‌شناسی، تاریخی و مردم‌شناسی است.

هنر قوم ایرانی، بن مایه‌های ماورایی و فراطبیعی دارد و برخاسته از حس کمال‌جویی هنرمندان و اندیشمندان این تبار بوده و از دیرزمان این اندیشه علاوه بر معماری، در تاروپود دیگر شاخه‌های هنر نیز، تنیده است. برای مثال: در هنر خوشنویسی، خط نستعلیق، میل بالا دارد و انحنا و انعطاف در این خط، ترجمان احساس، عاطفه و معنویت است.

در هنر معماری، توجه به نیروهای آسمانی و فراطبیعی، هر چه بیشتر بر شکوه و ماندگاری آثار و بناها افزوده است. پیوند با عالم بالا در بناهای پیش از اسلام، به شکل نمادهای

۱- دیوار، دکتر غلامحسین یوسفی، یغما، سال هفدهم، شماره‌ی دهم، دی‌ماه ۱۳۴۳، ص ۴۵۳.

۲- نفایس الفنون فی عرایس العیون، شمس‌الدین محمد بن محمود آملی، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۷۷، تهران، ج ۱، ص ۲۷۵-۳۰۲.

«سعی کند تا چندان که سطر به آخر می‌رسد، میلش بر بالا بود یا مساوی، چه خط ترسا و یهود، میل به زیر دارد.»

اسطوره‌ای، خودنمایی می‌کند. برای نمونه: نشان اهورامزدا، ایزد و فرمانروای هستی، سرو درخت مقدسی که زرتشت آن را غرس کرده و نیلوفر آبی که به آن‌اهیتا و الهه‌ی آب تعلق داشته است. از روزگاران کهن در پیشگاه بناها استخر و حوضی طراحی می‌شده است که علاوه بر زیبایی، در آغاز ریشه در این پندار اسطوره‌ای داشته است. کاربرد اعداد مقدس در بناها نیز که ریشه در اندیشه‌های بابلیان داشته، نشانی دیگر از رمزپردازی و سمبولیک در آثار پیش از اسلام است. در این میان، عدد هفت، بسامد بیشتری دارد. مانند: هفت دیوار هگمتانه، هفت طبقه‌ی آرامگاه کوروش، هفت گنبد بهرام گور، هفت ردیف درخت برگرد باغ پردیس^۱ و هفت تاق‌نما بر روی دروازه‌ی تخت سلیمان^۲.

باورهای نجومی مردم باستان، علاوه بر اعداد، تأثیرات دیگری در زندگی و آثار فکری و هنری آنان بر جای گذاشته است. برای مثال: تثلیث را شکل سعد و تربیع را شکل نحس می‌دانستند^۳. نویسنده‌ی دستور دبیری می‌گوید:

هر گاه کاتبان نامه را به پایان رسانند، گوشه‌های کاغذ را ببندازند چرا که تربیع شکل نحوست است.^۴ گزافه نیست؛ اگر بگوییم؛ تمایل به قوس و انحنا در معماری و احداث شهرها به شکل دایره، علاوه بر آن که قوس نمادی از آسمان بوده است و پایداری و زیبایی را افزون می‌نمود؛ شاید ریشه در این باور نجومی نیز، داشته است. امروزه نشانی از این پندار را می‌توان در نوعی صنایع دستی، به خوبی یافت و آن مربع وارونه‌ای است که بدان اسپند آویزند و در منازل برای رفع نحوست و چشم زخم آویزان کنند. در کاشی‌کاری، به ویژه ساقه‌ی گنبدها و

۱- مجموعه مقالات دکتر محمد معین، به کوشش دکتر مهدخت معین، مؤسسه‌ی انتشارات معین، ۱۳۶۸، تهران، ج ۱، ص ۲۸۴.

۲- نام اصلی آن آتشکده‌ی آذر گشنسب است. (آذربایجان غربی، شهر تکاب)

۳- تثلیث حالت سعد سیارات است وقتی که میان آن‌ها ۱۲۰ درجه فاصله باشد و تربیع شکل نحس و آن زمانی است که فاصله‌ی میان دو سیاره ۹۰ درجه باشد. در نزهت‌نامه‌ی علایی آمده است: مشتری بر تثلیث، تمام دوستی و مرئخ بر تربیع، نیم دشمنی و زهره بر تسدیس، نیم دوستی. (رک: نزهت‌نامه‌ی علایی، شهردان بن ابی‌الخیر، به تصحیح دکتر فرهنگ جهان‌پور، مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۲، تهران، ص ۳۵۴-۳۵۲)

۴- دستور دبیری، محمدبن عبدالخالق میهنی، تصحیح عدنان صادق ارزی، آنقره، ۱۹۲۲، ص ۷۰- «گوشه‌ی پایان کاغذ قدری ببندازد تا شکل مرئمی باطل شود کی تربیع شکل نحوست است.»

نمای بناها هم مربع‌های معکوسی به چشم می‌خورد که البته با نام خداوند و ائمه‌ی معصومین تزیین شده است.

شکل مربعی، از نظر زیباشناسی کاربرد کمتری دارد زیرا بر اساس نسبت طلایی^۱ طول یک ضلع باید کمی از ضلع دیگر بیشتر باشد تا زیبا جلوه کند. بر این اساس نقشه‌ی فرش‌ها و فضای اتاق‌ها باید مستطیل باشد تا زیبا به نظر آید. در گذشته بنای چهارتاقی آتشکده‌ها و حیاط عمارت‌های چهار ایوانی را گاه مربع می‌ساختند اما در عوض چهار ایوان و درگاه خروجی نیز، در نظر می‌گرفتند تا حالت انزجارآور اتاق و فضای مربعی از میان برود. تولستوی در خاطرات یک دیوانه، به اتاق مربعی شکلی که مایه‌ی شکنجه‌ی او شده بود، اشاره کرده است:

«اتاق کوچک مربعی شکلی بود که دیواره‌های آن را تازه دوغ آب زده بودند. به یاد دارم، همین مربع بودن اتاق، مایه‌ی شکنجه‌ی من شده بود.»^۲

در دوره‌ی اسلامی رواج اندیشه و فرهنگ غنی و سرشار اسلام و پیشرفت دانش هندسه و ریاضی، هنر معماری را دگرگون کرد و معماران و مهندسان، زیباترین طرح‌ها و نگاره‌های خود را در بناها، به ویژه مساجد و تکایا به کار بردند. گنبد و گلدسته میل بالا دارد و نمادی از عروج و تعالی است. گل‌ها و نقش‌های اسلیمی و رنگارنگ کاشی‌ها، یادآور بهشت و جنت مأواست. طرح چهارباغ با نهرها و جوی‌های آن نیز، یادآور آیه‌ی «جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِ الْأَنْهَارِ»^۳ است.

در گچ‌بری، مقرنس‌کاری، کاشی‌کاری، آینه‌کاری، آجرکاری و منبت‌کاری، از میان نقوش هندسی همواره نقش «شمسه» در مرکز نقوش جلوه‌گر است که به لحاظ فلسفی یادآور وحدت

$$\frac{1+\sqrt{5}}{2} = 1/618-1$$

تناسب رازآمیزی که اندیشمندان، آن را نفس زیبایی در هنر و معماری دانسته‌اند. بر این اساس، باید طول ضلع یک تابلو بیشتر از ضلع دیگر باشد تا زیباتر به نظر آید. تابلو مربع نسبت به مستطیل زیبایی کمتری دارد.

۲- مرگ ایوان ایلیچ همراه با نقد و خاطرات یک دیوانه (لئونولستوی)، علی‌اصغر بهرامی، جوانه‌ی رشد، چاپ اول، ۱۳۷۹، تهران، ص ۱۴۱.

۳- سوره‌ی نسا، آیه‌ی ۵۷.

در عین کثرت است و از سویی مضمونی از آیه‌ی شریفه‌ی: «اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ» را در ذهن تداعی می‌کند^۱

در بناهای کهن، علاوه بر تزیینات، استحکام برخی از آن‌ها شگفت‌انگیز است که در اساس، ریشه در یکی از بندهای قانون‌نامه‌ی حمورابی داشته است.^۲ داشتن طرح و نقشه^۳، محاسبات دقیق به وسیله‌ی مساحان و مهندسان، نظارت حاکمان بر ساخت‌وساز^۴ و مصالحی همچون ساروج^۵، از جمله عوامل استقامت و پایداری بناها بوده است.

متأسفانه اثر مستقلى به زبان فارسی درباره‌ی معماری و بنایی در دست نیست و این هنر سینه به سینه، از استاد به شاگرد منتقل شده است ولی مطالبی را به طور پراکنده می‌توان از

۱- قسمتی از آیه‌ی ۳۵، سوره‌ی نور.

۱- بند ۲۲۹ قانون‌نامه‌ی حمورابی: «اگر معماری برای شخصی خانه‌ای ساخت اما در استحکام کار خود دقت نکرد و در نتیجه خانه‌ای که او ساخته بود، فرو ریخت و موجب مرگ صاحب خانه شد، معمار باید به قتل برسد.

(رک: قانون‌نامه‌ی حمورابی، ترجمه‌ی کامیار عبدی، سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۶، تهران، ص ۷۰). قانون‌نامه‌ی حمورابی، اثر حمورابی (۱۷۵۰-۱۷۹۲ ق.م) یکی از فرمانروایان بین‌النهرین است که در کاوش‌های دمرگان در تپه‌ی شوش کشف و به موزه لوور فرانسه فرستاده شد. این قانون‌نامه شامل ۲۸۲ بند است.

۲- رک: ذیل واژه‌ی طرح در همین فرهنگ‌نامه

۳- رک: ذیل واژه‌ی مساح و مهندس

معماران و مهندسان در گذشته القاب و عناوین خاصی داشتند و در نامه‌ها و مکتوبات برای انجام کار، مورد خطاب قرار می‌گرفتند. مانند: ملک‌المعمارین، مهرة المعمارین، اکابرالمهندسين، قدوالمهندسين و... اینک نمونه‌ای از آن مکتوبات: «به جانب صدرمعلم، ملک اعظم الصدور، قدوة المهندسين، شمس الدولة والذین- دامت معالیه- فراوان تحایا ارسال می‌افتد. مواد اعتقاد در جودت قریحت و استقامت طبیعت و مهارت او در فن هندسه، بیش از آن است که در سلک بیان، انحراف یابد و توقیق ازدیاد این صفات و حصول نتایج آن، ابدالذهر رفیق باد...»

(رک: دستور الکاتب فی تعیین المراتب، محمدبن هندوشاه نخجوانی، اداره‌ی انتشارات دانش، به سعی و اهتمام و تصحیح عبدالکریم علی اوغلی علی‌زاده، ۱۹۷۱، مسکو، ج ۱، ص ۳۳۲).

۴- برای نمونه: کتیبه‌ی داریوش درشوش:

«این کاخ که در شوش بگردم، از راه دور زیور آن آورده شد. زمین به طرف پایین کنده شد تا در زمین به سنگ رسیدم. چون کندوکوب انجام گرفت، پس از آن شفته انباشته شد. قسمتی ۴۰ آرش در عمق، قسمتی دیگر ۲۰ آرش در عمق، روی آن شفته، کاخ بنا شد.»

- رک: فرمان‌های شاهنشاهان هخامنشی، رلف نارمن شارپ، پازینه، ۱۳۸۲، تهران، ص ۹۹-۹۵ همچنین در تاریخ مبارک غازی ج ۲ ص ۲۰۷-۲۰۲ آمده است: غازان، بر هر بنایی اشخاص امین را می‌گماشت که آلت‌های بد به کار نبرند و یا از گچ و ساروج چیزی کم نکنند و خاک در آن نیامیزند. (به نقل از: برگ‌هایی در آغوش باد، دکتر غلامحسین بوسفی، انتشارات توس، ۱۳۵۵، تهران، ج ۲، ص ۷۶۸)

۵- رک: ذیل واژه‌ی ساروج

برخی آثار به دست آورد که در کتاب نامه آمده است. برای مثال: فصل بیست و پنجم مقدمه‌ی ابن خلدون در صناعت بنایی است^۱ و یا باب چهلیم کتاب جامع‌العلوم فخررازی، اختصاص دارد به علم جرثقال یعنی دانشی که به کمک آن می‌توانستند، با استفاده از طناب و الوار، ابزارهایی بسازند تا سنگ‌های بزرگ را به کمک آن جابه‌جا و به بالای عمارت منتقل کنند^۲. بدین‌سان، مطالب فخر رازی، نظر کسانی را که پنداشته‌اند؛ بناهای عظیم سنگی کار دیوان و موجودات فضایی است؛ رد می‌کند.^۳

واژه‌ها و اصطلاحات معماری سنتی از نظر زبان‌شناسی اهمیت دارد و شاعران و نویسندگان، در توصیف‌ها و سروده‌های خود، از آن بهره جسته‌اند. برای مثال: شاه‌نشین، تاق، رباط، مصطبه و طنبی در شعر حافظ:

شاه‌نشین چشم من تکیه‌گاه خیال توست

جای دعاست شاه من بی‌تو مباد جای تو^۴

به نیم جو نخرم تاق خانقاه و رباط

مرا که مصطبه ابوان و پای خُم طنبیست^۵

و یا: مهره، صفه و گیلویی در شعر نظامی:

برکشیده ز خطّ پرگارش چهارمهره به چهار دیوارش^۶

۱- مقدمه‌ی ابن خلدون، ترجمه‌ی محمد پروین گنابادی، نگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۷، تهران، ج ۲، ص ۸۰۵

۲- جامع‌العلوم، فخرالدین رازی، تصحیح سید علی آل داوود، نشر ثریا، چاپ اول، ۱۳۸۲، تهران ص ۳۶۶.

۳- اصطخری در ذکر بناهای فارس نوشته است: «به ناحیت اصطخر بناهای عظیم هست، از سنگ صورت‌ها کرده و بر آن جا نبشته و نگاشته. گویند: مسجد سلیمان علیه‌السلام بوده است و دیوان ساخته اند و مانند آن در شام و بعلبک و مصر هست.» (رک: مسالک و الممالک ابواسحق ابراهیم اصطخری، به کوشش ایرج افشار، نگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۰، تهران، ص ۱۳۱).

۴- شرح غزل‌های حافظ، دکتر حسینی‌هروی، نشر نو، چاپ اول، ۱۳۶۷، تهران، ج ۳، ص ۱۶۷۸.

۵- همان، ج ۱، ص ۲۹۳.

۶- کلیات نظامی گنجوی، مطابق نسخه‌ی وحید دستگردی، انتشارات نگاه، چاپ اول، ۱۳۷۲، تهران، ص ۷۷۶.

صفه‌ای تا فلک آورده گیلویی تاقی او برآورده^۱

در برخی دیگر از آثار مانند: تاریخ بخارا، مسالک و الممالک، تاریخ بیهقی، تاریخ یزد، سفرنامه‌ی ناصرخسرو و... بیش و کم با این اصطلاحات سرو کار خواهیم داشت. بدین سان، شایسته است؛ علاوه بر باستان‌شناسان و پژوهندگان هنر و معماری، دانش‌آموختگان زبان و ادب فارسی نیز، برای تحلیل و درک بهتر واژه‌ها و متون مختلف، با هنر معماری سنتی تا حدودی آشنایی داشته باشند و تدوین این فرهنگ‌نامه هم گامی کوچک در این جهت بوده است.

کار مطالعه و تدوین این اثر نزدیک به دو سال به طول انجامید. با استفاده از فرهنگ‌های گوناگون و آثار مختلف معماری سنتی، فرهنگ‌نامه‌ای به همراه نمونه‌هایی از کاربرد آن در متون نظم و نثر تدوین گردید. امید است؛ این مجموعه‌ی ناچیز برای خوانندگان و دانش‌پژوهان مفید واقع شود.

در پایان از همسر و فرزندانم که فرصت پرداختن به این کار را فراهم نمودند، سپاسگزارم.

مهدی مهدی زاده - مشهد

اردیبهشت ۸۴

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی